

داد خواهیم، این بیداد را!

آیا در روزهای آینده، حمید نوری (عباسی) همچنان قفل بر دهان خواهد ماند یا سکوتش را خواهد شکست؟

امیر جواهری نگرودی

amir_772@hotmail.com



در ادامه‌ی دادگاه محاکمه‌ی حمید نوری (عباسی) در هفته‌ی ۴۷ روز سه شنبه ۲۳ نوامبر ۲۰۲۱ برابر دوم آذر ۱۴۰۰ در استکهلم، متهم یا مجرم در برابر دادگاه و افکار عمومی، اعم از شاکیان و شاهدان و خانواده‌های دادخواه کشتار خونین سال ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت، به دفاع از خود خواهد پرداخت یا همچنان قفل بر دهان خواهد ماند و سکوت برمی‌گزیند؟

طبق داده‌های خبری تاکنونی «نوری» قرار است که در هفت (۷) جلسه‌ی دادگاه حضور یابد و سخن بگوید و خود نیز مخاطب پرسش‌های دادستان‌ها و وکلای شاکیان و شاهدان و هیئت قضات دادگاه قرار گیرد و پاسخ گوید. جدا از این، دو جلسه‌ی رزرو هم برای او در نظر گرفته‌اند. بر پایه برنامه‌ی اعلام شده‌ی هفته‌ی پیشروی، حمید نوری روزهای سه شنبه ۲ آذر ۱۴۰۰ برابر با ۲۳ نوامبر ۲۰۲۱ طی چهار جلسه سخن می‌گوید. هم اکنون خیل وسیع خانواده‌ها و شاکیان و شاهدان و ایرانیان آزادی‌خواه در کنار شبکه‌ی وسیع

خبررسانی‌ها راهی استکهلم پایتخت سوئدند تا ابعاد اظهارات او را به جهانیان گزارش نمایند.

یادداشت حاضرنگاهی دارد به موقعیت حمید نوری (عباسی)، از دهم اوت ۲۰۲۱ به این سو در دادگاه استکهلم.

آیا حمید نوری (عباسی)، سکوت تاکنونی اش را خواهد شکست؟

نمایش دادگاه نوری در هفته‌ی پیشروی، به مثابه قوی‌ترین رسانه‌ی جهانی بدل شده برای مقابله و رونمایی با بروز له شدگی زندانیان سیاسی آن سال‌ها و خانواده‌هایی که سی و سه (۳۳) سال پیاپی بعد از کشتار خونین تابستان ۱۳۶۷ به انتظار به دام افتادن یک تن از این جانیمان مجرم بودند، است.

دادگاه نوری، گواهی برجنایات حکومتی که سعی داشته از حافظه‌ی تاریخ پاکش کند. گواهی شکنجه و شلاق، قپانی، اطاق‌های گاز، بی خوابی، بی غذایی، زندان بدون بهداشت و درمان و سلول‌های انفرادی، کشاندن زندانی تا بردنش به "راهروی مرگ" و پس آنگاه کشاندن یکایک آنان به اطاق "هیئت مرگ" در پس چند پرسش ساده، آری و نه، راهی "حسینیه" یا "آمی تاتر" و "قتلگاه" زندانیان گوهردشت نمودن، جسدهای گرم وله شده آنان را به درون کامیون‌های یخچال دار ریختن، شبانه و دزدانه روانه‌ی گورهای جمعی نمودن!

دراین میان حافظه بیش از هر چیزی اهمیت دارد. صحنه آرایبی همه‌ی شاکیان و شاهدان - و صد البته هریک آنان با شدت وضعف ویژه خویش - نشان داد که همه‌ی مستندات مربوط به «راهروی مرگ»، «کریدورهای گوهردشت»، حضور «هیئت مرگ»، سالن «آمی تاتر» یا همان «حسینیه» یا «قتلگاه خونین» که این حافظه به یاری بازسازی تصویر جنایت توسط شاهدین برای دادگاه چه کمک مؤثری کرده است.

می‌توان گفت: این آهنگ همنوایی همه‌ی آنانی است که تاکنون هریک به زبانی به دادگاه استکهلم گزارش نموده‌اند. درست در برابر سکوت متهم و تلاش وکلای او که همواره دنبال رد پای تناقض دربیان شاکیان و شاهدانی می‌گردند

که برای تجدید خاطرات خویش، رد پای تجاوزگری نظام را بعد از سی و سه (۳۳) سال از منظر حافظه، به بیان روایی، به تظاهر مادی غلظت جنایات آفریده شده در حضور خود کننده این جنایات (حمید عباسی) می‌خواهند ادای دین نمایند و «نوری» به لاپوشانی کرده های خود مشغول است و مرتب مورش های هدایت گر با شکلک و ادا و اطوار برای نظام میفرستد. اما ارکستر حافظه‌ی یکایک شاهدان و شاکیان در هم‌آوایی یکدیگر به تکمیل این مستندات یاری می‌رساند و همه‌ی تلاش‌های وکلای مدافع متهم «دانیل مارکوس» و «توماس سودرکوئیست» تا این لحظه راه به جایی نبرده است.

همه‌ی ما شاهدیم از تاریخ دهم اوت ۲۰۲۱ برابر ۱۹ مرداد ۱۴۰۰ تا به امروز ۳۶ شاک‌ی و شاهد خانم‌ها و آقایان:

۱- ایرج مصداقی ۲- نصرالله مردانی ۳- مهدی برجسته گرمودی ۴- همایون کاویانی ۵- سیامک نادری ۶- محسن اسحاقی ۷- رمضان فتحی ۸- مهدی اسحاقی ۹- علی اکبر بندلی (اکبر بندعلی) ۱۰- مسعود اشرف سمنانی ۱۱- سولماز عزیززاده ۱۲- احمد ابراهیمی ۱۳- فریدون نجفی آریا ۱۴- سارا روز دار ۱۵- حسن گلزاری (بخش اول) و حسن گلزاری (بخش دوم) ۱۶- مجید جمشیدیت ۱۷- خدیجه برهانی ۱۸- سید حسین سید احمدی ۱۹- مهناز میمنت نژاد ۲۰- مهری حاجی نژاد ۲۱- سید جعفر میر محمدی ۲۲- صدیقه حاج محسن ۲۳- ویدا رستم علیپور ۲۴- لاله بازرگان ۲۵- علی ذوالفقاری ۲۶- سید جعفر میر محمدی برنجستانکی ۲۷- عصمت طالبی ۲۸- مختار شلالوند ۲۹- رضا فلاحی ۳۰- محمد زند ۳۱- مجید صاحب جم اتابکی ۳۲- اصغر مهدی زاده ۳۳- اکبر صمدی ۳۴- محمود رویایی ۳۵- حسین فارسی ۳۶- حسن اشرفیان، باحضور در شهر استکهلم برای طرح ادعای خود یا از طریق تماس از استرالیا - کانادا - سوئیس - انگلیس و آلبانی شرکت کردند و هر یک آنان به بیان نظر خود مبنی بر دست داشتن شخص (حمید نوری) در تمامی جنایت کشتار سال ۱۳۶۷ شهادت دادند. این بار طی روزهای آینده نوبت به حمید نوری (عباسی) می‌رسد.

حمید نوری (عباسی)، برپایه شواهد موجود همچنان می‌ایستد!

تاکنون دادگاه حمید نوری(عباسی) وسیع‌ترین رسانه در افشای داغ، درفش و اعدام‌های نظام ایدئولوژیک اسلامی حاکم بر ایران را نمایندگی نموده است! او در دادگاه‌های سریالی که دادستان برای تجدید بازداشت او هر ماه تشکیل می‌داد؛ همچنان بر این موضع پای می‌فشرد: «کی بود، کی بود، من نبودم» تا بعد از انتخابات دوره‌ی اخیر و جابجایی دولت ابراهیم رئیسی به جای حسن روحانی، حمید عباسی در تاریخ پنجشنبه بیستم خرداد ۱۴۰۰ برابردهم یونی ۲۰۲۱ بعد از سپری نمودن یکسال و هفت ماه بازداشت در سوئد، طی پیام صوتی از زندان استکهلم وفاداریش را به نظام فاسد اسلامی، به هم‌زمانش در ایران و سراسر جهان با قاطعیت اعلان داشت و گفت: «من حمید نوری هستم به تاریخ پنجشنبه بیست (۲۰) خرداد از استکهلم سوئد با شما حرف می‌زنم. دوستان عزیز و هم‌زمان دوران سربازی‌ام در کردستان و گروه کردان ۱۸۷، دوستان عزیز و هم‌سنگرانم در جهاد سازندگی استان کردستان و گروه همیاران، دوستان و هم‌زمانی که در دوران دفاع مقدس در کنار هم بودیم و دوستان و همکاران عزیزم در دستگاه قضایی که من افتخار و سعادت آنرا داشتم تا مدتی در کنار شماها باشم و خدمت کنم. دوستان و همکاران عزیزم در شرکت و... رئیس عزیزم، دوستان و بچه‌های محل من و هیئت شهدای و هیئت عراق، هیئت یا زهرا سلام مولای علیک حاج آقا فندک کیا و... حاج اسماعیلی... و خانواده‌ام را می‌شناسند و احتمالاً همگی شما اطلاع دارید. امروز من این پیام را برای شما می‌فرستم، دقیقاً من یکسال و هفت ماه است که با یک اتهام و یک شکایت پوچ و بی محتوا و بی ارزش، بدون سند و مدرک توسط پلیس سوئد و به دستور دادستانی سوئد، به شکل خیلی بد و زنده‌ای بازداشت شدم و دستگاه قضایی و پلیس سوئد، متأسفانه یک اشتباه بزرگ فاحش و تاریخی خود را در مورد بنده انجام داد. البته و ایشالله طبق وعده الهی؛ "عدو شود سبب خیر، اگر خدا خواهد" سرانجام این پرونده با خیر و پیروزی و سر بلندی و موفقیت برای خودم و خانواده‌ام و خانواده بزرگ ملت ایران به پایان خواهد رسید، ایشالله و در نهایت این موفقیت و پیروزی برای دستگاه قضایی و دولت سوئد و پلیس سوئد و ملت سوئد منفی خواهد بود. امیدوارم که دستگاه قضایی سوئد بدون در نظر گرفتن مسائل سیاسی و تحت فشار بودن توسط عوامل استکبار، استعمار و ایادی آنها یعنی این گروهک‌های وابسته و

جنایتکار و اعضاء آنها، به وظیفه ذاتی خود که حق و برقراری عدالت و بی طرف بودن میباشد، عمل کرده و در نهایت رای خود را مبنی بر ساختگی بودن و جعلی بودن و غیر واقعی بودن این اتهامات ناروا و ناجوانمردانه نسبت به من و خانوادهام و ملت بزرگ ایران و امام عزیز رحمت الله علیه، صادر نماید ایشاالله، صبح پیروزی نزدیک است. تمامی کسانی که صدای من را می شناسند... جواب همه آنها با یک ضرب المثل ساده می دهیم: «خود گویی و خود خندی، عجب مرد هنرمندی» خودشان برای خودشان می گویند و جمع میشوند و کف میزنند و هورا میکشند و در آخر مزد خود را از اربابانشان میگیرند... من حمید نوری هستم که دارم با شماها صحبت می کنم، امیدوارم که من یک ایرانی اصیل و فرزندی... پدري خوب و سالم برای خانوادهام و سربازی امین برای ملت بزرگ ایران و... و هشیار زیرک برای تمامی دوستان و همکاران عزیزم، مخصوصا در دستگاه مقتدر و قوی و قدرتمند قضایی ایران باشم ایشاالله. حمید نوری گروگان و کسیکه او را یک سال و هفت است ربوده اند، سوئد استکھلم، اسارت گاه کرونوری»

و سرانجام پیام را با دوآیه از قرآن مجید به پایان برد.

حمید نوری در این پیام صوتی گفته: «به شهادت دستگاه قضایی و مقتدر ایران و شهید پرافتخار سیستم قضایی ایران عزیز، سیداسدالله لاجوردی، آن شهید جسور و دور اندیش و با بصیرت و بقیه شهدا متوسل شده ام و یاری، استعانت و شفاعت خواسته ام...» این خود نشان می دهد هنوز که هنوز است، خود را وفادار و منت پذیر آن سیستم سراسر جرم و جنایت و در خدمت و کمر بسته می آنان می داند.

از منظر چنین گردنگذاری، حمید نوری به کل حاکمیت ایران است که سفیر نظام اسلامی ایران در سوئد- استکھلم؛ احمد معصومی فر خبر ملاقات خود با حمید نوری را در توییتری نوشت: «پس از ۲۰ روز پیگیری توانسته است با یک «شهروند ایرانی در زندان» در سوئد ملاقات کند». سفیر علیرغم اینکه هیچ اسمی از شهروند ایرانی که ملاقاتش کرده نبرده است ولی نوشت: «او گفته که شکایتی را توسط وکلا تنظیم و به مرجع قضایی تسلیم کرده است و طی یادداشتی به وزارت خارجه و وزارت دادگستری خواستار تحقیق مستقل

درباره «نقض حقوق زندانی، ممانعت از معاینه پزشکی، هتک حرمت‌های اعتقادی و اعمال شکنجه جسمی و روحی» مورد ادعا شده است و این موضوع را پیگیری خواهد کرد...». سفیر نظام اسلامی در سوئد از کاربرد «خشونت» و رفتار «ظالمانه» و «تحقیرآمیز» در زندان سوئد صحبت به میان می‌آورد تا به مانند همه‌ی مقامات بلندپایه‌ی حکومت اسلامی گمان زنی نماید و دروغ بزرگ و غیر قابل باور «شکنجه شدن» نوری را در زندان استکهلم به میان افکار عمومی کشاند تا شاید ساده‌انگاران زمان، این چنین دروغی را پذیرا باشند. سوی دیگر دیدار وزیر امور خارجه ایران با وزیر امور خارجه سوئد در جنب نشست شورای امنیت در آمریکا بود....

طی ماه‌های اخیر از دهم اوت ۲۰۲۱ به اینسو که محاکمه‌ی حمید نوری در دادگاه استکهلم در جریان است، او همچنان با وقاحت و بی‌شرمی تمام سکوت نموده و گاهی با پارازیتی معنی دار، خود را همچنان تمام قد جانبدار نظام اسلامی نشان می‌دهد.

لارس هولتگرن، وکیل حمید نوری در پنجمین نشست دادگاه، برای اولین بار سخن راند و گفت: «موکلش حمید نوری که به ظن دست داشتن در اعدام‌های سال ۱۳۶۷ در سوئد در زندان است، "بیگناه" و شواهد ارائه شده "ضعیف" است. او تمام اظهارات تاکنونی علیه نوری را رد کرد و اظهار داشت: «شاهدان و شاکیان با همدیگر همدستی کردند و افکار یکدیگر را می‌شناختند». و افزود: «این جمع از زمان برپایی دادگاه نمادین "ایران تریبونال" همدیگر را شناختند» و اینکه: «شاهدان این دادگاه با انگیزه‌های سیاسی مدت‌ها با هم در ارتباط بوده‌اند و اظهاراتشان را هماهنگ کرده‌اند به همین دلیل شهادت آنها نباید پذیرفته شود».

وکیل نوری، لارس هولتگرن، در ادامه گفت: «جنگ میان حکومت ایران و سازمان مجاهدین، یک جنگ داخلی بوده است و نباید آنرا به مثابه جنایت جنگی پنداشت» و «طرح جنایت جنگی طبق قوانین بین‌المللی در این رابطه، مناسبتی ندارد».

وکیل نوری در ادامه طرح چنین ادعایی، افزود: «موکلش "حمید نوری" زمانی که ادعا می‌شود که این اعدام‌ها در تابستان ۱۳۶۷ صورت گرفته، در

گوهردشت نبوده، بلکه در اوین بوده و جدا از این، در مرخصی ۴ ماهه برای دختر تازه به دنیا آمده‌اش و در کنار همسرش بوده است... و همچنین نمی‌تواند باور کند اعدام‌های مورد اشاره در زندان گوهردشت رخ داده باشد...» همچنین گفت: «فرمان روح‌الله خمینی برای اعدام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ مهر و تاریخ ندارد و معلوم نیست که اصل باشد». وی تأکید کرد: «این نامه در کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری منتشر شده و نمی‌تواند مدرک معتبری باشد» و ادعا کرد: «چون زمان زیادی از کشتارهای ۶۷ گذشته، اظهارات شاهدان، همچنین انگیزه‌های سیاسی شهود، اظهارات آنها در دادگاه اعتبار قانونی ندارد».

در همین نشست دادگاه، وکیل نوری، اظهارات دادستان استکھلم را مبنی بر اینکه؛ حکومت ایران درخواست بازرسی از زندان گوهردشت را نداد، زیر سؤال برد و در بخش دیگری از اظهاراتش گفت: «در برابر عدم درخواست بازدید از زندان گوهردشت، دادستان نمی‌تواند به عکس‌های شاکی و شاهدان در مورد وضعیت آن اتکا نماید». در این فاصله، خانواده‌ی حمید نوری نیز به دادگاه استکھلم رفته و شاهد شهادت‌های زندانیان جان به در برده هستند و به این شهادت‌ها می‌خندند!

درمقابل اظهارات وکیل نوری، دادستان با صراحت بیان داشت: «اتهامات حمید نوری، نقض حقوق بین‌الملل، جنایت بزرگ و قتل عمد است» و با اشاره به پشتیبانی مسئولان جمهوری اسلامی از این قتلعام گفت: «نوری جزو شکنجه‌گران زندان بوده است».

فرجام دادخواهی با بود نظام اسلامی امکان تحقق دارد یا نه؟

در یک کلام فرجام دادخواهی با بود نظام اسلامی ایران ناممکن است. آیا این بدین معنی است که ما دادخواهی نکنیم؟ فریاد ما از قبل روی کار آمدن این نظام یعنی شب به آتش کشیدن سینما رکس آبادان تا بیداد صورت داده در پشت بام مدرسه‌ی علوی و کشتن سران نظام پیشین و سکوت مفتضحانه‌ی یک جامعه در برابر آن، در تهاجم به سراسر کردستان - ترکمن صحرا - بین اعراب جنوب ایران - کشتار ماهیگیران بندر انزلی - کشتار انقلاب ضد فرهنگی دانشگاه‌ها - کشتار بهائیان - کشتار خونین دهه‌ی شصت و خاصه خرداد سال ۶۰ و تابستان ۶۷ - کشتار کوی دانشگاه - کشتار معدن خاتون آباد - جنبش

ضد استبدادی خرداد ۸۸ - خیزش خونین دی ماه ۹۶ - جنبش عظیم آبان ۹۸ - به موشک بستن سرنشینان هواپیمایی اوکراینی - کشتن فرزندان مردم در قیام تشنگان خوزستان، بلند بوده و هست. همه‌ی کارنامه‌ی سیاه این حاکمیت، سراسر اعدام است؛ و امروز همچون دیروز، صدای مادران و پدران - همسران - فرزندان و بازماندگان این همه کشتار، یک صدا را پژواک می‌دارد: «ما داد خواهیم این همه بیداد را!»

دادخواهی از دو واژه‌ی «داد» و «خواستن» تشکیل شده است. در فرهنگ عمید، معنای عامیانه‌ی «داد» را «فریاد» و معنای اصلی آن را «عدل و انصاف» در برابر آن «بیداد» را «ظلم و ستم» تعریف کرده است. می‌توان گفت: دادخواهی تلاشی در مسیر برقراری عدالت، جور و بیداد حاکم است. پرسش اساسی همان است که نوشتیم: آیا فرجام دادخواهی با بود نظام اسلامی امکان تحقق دارد یا نه؟

بر آنم که مضمون جنبش دادخواهی در ایران با بود نظام اسلامی ناممکن است. صد البته بعد از سرنگونی رژیم اسلامی، دربر گیرنده‌ی همه‌ی آن نیروهای اجتماعی است که در طول سال‌های سیطره‌ی نظام اسلامی برکشور، سطحی از جنایت علیه یکایک آنان به نوعی اعمال شده است.

در جنبش دادخواهی، طیف‌های گسترده‌ی مردم ایران اعم از زنان - کارگران - مبارزان جنبش ملی - نیروهای مذهبی دگراندیش و نیروهای سیاسی که زمانی مدافع همین رژیم اسلامی بودند - سوسیالیست‌ها تا روشنفکران دگراندیش، یعنی همه‌ی آنانی که به نوعی مورد سرکوب، زندانی و شکنجه بودند و خانواده‌های جانفشنان اعدام شده قرار گرفته‌اند.

جنبش دادخواهی امری دراز مدت و مداوم است. دادخواهی و واری آن در یک جامعه‌ی طبقاتی، خود فی‌نفسه امری طبقاتی است.

دادخواهی تا روز و روزگاری که این نظام بر پهنه‌ی جغرافیای ایران حکومت می‌کند، ناممکن است و برانگیختن ماکت و الگویی‌های نمادین نظیر «کمیته‌های حقیقت یاب» که بعد از سلسله قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای و به زندان کشاندن «اکبر گنجی» در ادبیات برخی گروه‌بندی‌های اجتماعی ایران،

دهان باز کرد و بر سر زبان‌ها افتاد، تا زمانی که سلطه‌ی نظام اسلامی بر حیات ایران حکمفرمایی می‌کند، اجرایی و پیاده شدنی نیست. این نظام وکیل قتل‌های زنجیره‌ای سیاسی با مشخصه‌ی «ناصرزرافشان» را خود با پرونده سازی روانه‌ی زندان می‌نماید. وکیل دختران خیابانی انقلاب خانم «نسرین ستوده» را راهی زندان می‌سازد. وکیل فعالان کرد آقای «محمد نجفی» را به زندان می‌راند و برای به حاشیه نشانیدن وکیل جسور کارگران نیشکر هفت تپه خانم «فرزانه زیلایی» در چند نوبت پرونده سازی نموده... باید اعلام نمود: هیچ روزنه‌ی دادخواهی با بقاء رژیم اسلامی بر فضای حیات سیاسی- اجتماعی ایران ممکن نیست، به عبارتی فرجام دادخواهی با بودن جمهوری اسلامی، ناممکن است!